

پاسخ مترجم کتاب «سرمایه در قرن بیست‌ویکم» به نقد ناصر زرافشان

عکس یادگاری دیرهنگام با مرحوم پیکتی

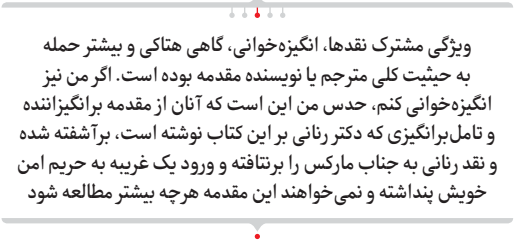
امسلان قودجانی



فروش ترجمه‌های قبلی شوند؟ یا اگر ایشان ترجمه خود را زودتر شروع کرده بودند، بهتر نبود که با انتشار بهنگام آن، رسم ترجمه نیکو را به دیگران می‌آموختند؟ آیا احترام به مخاطب اقتضا نمی‌کند که به اشتیاق و شعور او توهین نکنیم و ترجمه چنین کتاب خطیری را ردوسال پس از انتشار نسخه اصلی، به بازار نفرستیم؟

۳.اشکالات ترجمه

از سوء‌کاربردهای نقد یکی هم این است که می‌تواند ابزاری برای کوباندن و سرکوب رقبا یا ناهم‌اندیشان باشد. نقد ترجمه بسیار پیچیده است؛ زیرا به پیچیدگی‌های دو زبان و تبدیل این پیچیدگی‌ها از یک زبان به زبان دیگر ربط داشته، قضاوت درباره آن برای کسانی غیراز مترجمان مجرب- آن هم در صورت بی‌غرضی و صرف وقت فراوان- ناممکن است. همچنین این عرصه به سادگی مورد سوءاستفاده کسانی واقع می‌شود که در بهترین حالت، خود نیز همانند انسان‌های دیگر، بارها و بارها اشتباه می‌کنند ولی با ذکر اشتباهات دیگران سعی می‌کنند که مفهومی غیرواقع‌بینانه از ماهیت ترجمه ناب ارایه دهند. جالب است که آقای گلدهر نیز در ترجمه این کتاب - که گویا پنج‌ماه طول کشیده و در کل هفت‌ماه پس از نسخه فرانسوی چاپ شده است- به اشتباهاتی دچار شده و البته اگر غیراز این بود، وی به مقام معصومان و قدیسان می‌رسید! بعید است که حتی خود پیکتی یا همکارانش که به زبان انگلیسی آشنایی دارند، قبل از چاپ آن ترجمه، نگاهی به کل آن نینداخته باشند، با این حال آن اشتباهات آقای گلدهر -که خصیصه هر انسان است - از چشم خطاپرین پیکتی و همکارانش نیز پوشیده مانده است. مثلا خود آقای زرافشان نیز در نقد خود در بخش «حذف‌ها و جاقافتادگی‌ها» به یکی از این موارد در ترجمه انگلیسی اشاره کرده‌اند.



ویژگی مشترک نقدها، انگیزه‌خوانی، گاهی هتاکي و بیشتر حمله به حیثیت کلی مترجم یا نویسنده مقدمه بوده است. اگر من نیز انگیزه‌خوانی کنم، حدس من این است که آنان از مقدمه برانگیزاننده

و تامل برانگیزی که دکتر رنانی بر این کتاب نوشته است، برآشفته شده

و نقد رنانی به جناب مارکس را برتافتنه و ورود یک غریبه به حریم امن

خویش پنداشته و نمی‌خواهند این مقدمه هرچه بیشتر مطالعه شود



اشتباه و خطا در ذات هر عمل انسانی نهفته است ولی انگشت گذاشتن بر اشتباهات دیگران- و به شکل تلویحي، میری دانستن کار خود از اشتباه- بدون قصد و غرض ممکن نیست. اشکالاتی که در نقد روزنامه «شرق» مطرح شده‌اند، برخی درست و برخی نادرست هستند که به چند مورد از نخستین ایرادهای گفته‌شده، اشاره خواهم کرد.

جناب زرافشان می‌گوید: پیکتی می‌نویسد: «شوک‌هایی که در نیمه نخست قرن بیستم یعنی بین سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۴۵ به اقتصاد ضربه‌های پیدریی وارد کردند؛ مانند جنگ جهانی اول، انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷، بحران بزرگ ۱۹۲۹ و...»

من در ترجمه آن عبارت نوشته‌ام: «به طور خلاصه تکانه‌هایی که در سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۴۵ همچون سپر برای نظام اقتصادی عمل کردند (جنگ جهانی اول، انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷، رکود بزرگ، جنگ جهانی دوم...»

حال به متن انگلیسی نگاه کنید که باید معیار قضاوت باشد:

Briefly, the shocks that buffeted the economy in the period 1914- 1945-World War I, the Bolshevik Revolution of 1917, the Great Depression, World War II...

چند اشتباه در متن ترجمه‌شده توسط آقای زرافشان هست:

نخست اینکه گویا با اصطلاح بسیار معروف «رکود بزرگ» یعنی great depression آشنا نبوده و آن را «بحران بزرگ» ترجمه کرده‌اند. این عبارت بی‌شک معروف‌ترین عبارت در تاریخ اقتصادی قرن ۲۰ و بزرگ‌ترین کابوس اقتصادی یک قرن اخیر بوده است. دوم آنکه واژه «بی‌دربی» و «نیمه نخست قرن بیستم» را از خود به متن افزوده‌اند. در ماه‌های بعد ایشان هنگام ترجمه فصل ۱۳ در سومین پاراگراف آن فصل، خواهند دید که نویسنده در یک پاراگراف از دو اصطلاح great depression و great recession استفاده کرده و به تفاوت بین آنها اشاره می‌کند (که من اولی را «رکود بزرگ» و دومی را «کسادی بزرگ» ترجمه کردم). ملاحظه می‌کنید که وقتی نقد با ذکر متن زبان اصلی مطرح شود، مقدر دقیق‌تر خواهد شد. همچنین معادل «اقتصاد» در اینجا برای economy چندان مطلوب نیست و به جای آن باید از «نظام اقتصادی» یا «کشور» استفاده کرد. در نخستین موردی که ایشان برای تبلیغ سوءعلیه ترجمه کتاب

اندیشه

ریویو

پیکتی در برابر منتقدانش

از ابتدای انتشار کتاب پیکتی و بحث‌های حول‌وحوش آن بسیاری در انتظار خواندن کتاب او بودند، کتابی ۷۰۰صفحه‌ای با انبوهی از آمار و نمودار درباره گردش سرمایه در قرن حاضر. آنچه کتاب را سر زبان‌ها انداخت و نویسنده آن را یک‌شبه به شهرتی جهانی رساند، توجه رسانه‌ها به این کتاب بود. «سرمایه در قرن بیست‌ویکم» از پرفروش‌ترین کتاب‌های چندسال اخیر بوده و در مجلات و رسانه‌های مختلف به انحای مختلف به آن پرداخته شده است. اما بسیاری از خوانندگان، از فارسی‌زبان و غیرفارسی‌زبان، فرصت خواندن کتاب را نمی‌یابند. برای خوانندگان پرمشغله‌ای که نمی‌توانند این کتاب حجیم ۷۰۰صفحه‌ای را از ابتدا تا انتها بخوانند دردسترس‌بودن یک خلاصه کاربردی از این کتاب می‌تواند بسیار راهگشا باشد. بنابراین، ای‌دی‌تیسو کوشیده خلاصه‌ای کاربردی از این کتاب به دست دهد. فرق یک خلاصه کاربردی با تلخیص به روال معمول در مورد کتاب‌هایی همچون کتاب پیکتی روشن می‌شود. تلخیص، خلاصه‌ای است برای کسانی که می‌خواهند در مورد خواندن یا نخواندن نوشته اصلی تصمیم بگیرند ولی خلاصه کاربردی، برعکس تلخیص، نوشته کوتاه‌شده‌ای است که می‌توان به جای نوشته اصلی خواند. خلاصه ای‌دی‌تیسو از بهترین چکیده‌های این کتاب است که به‌تازگی با ترجمه خسرو کلانتری به فارسی نیز برگردانده شده است. این خلاصه در کنار چندمقاله از منتقدان چاپ‌گرایی پیکتی همچون دیوید هاروی، جان بولف فاستر، پرابات پانتایک، ریچارد ولین و الکس کالینیکوس و در انتها پی‌گفتاری از خسرو پارسا در مجموعه‌ای با عنوان «توماس پیکتی و هزارتوی سرمایه‌داری» گنجانده شده تا خواننده با نقاط ضعف و قوت دیدگاه‌های پیکتی آشنا شود و به درک کلی‌تری از مناسبات اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری برسد.

کتاب «سرمایه در قرن بیست‌ویکم» توماس پیکتی با داده‌های آماری گوناگون، تحقیقات تجربی و تعداد زیادی نمودار درباره توزیع ثروت و درآمد در تاریخ ۲۰۰ساله کشورهای سرمایه‌داری سعی دارد روند منتهی به افزایش نابرابری و انباشت ثروت را توسط «یک‌درصدی‌ها» نشان دهد؛ همان جمعیتی که در زمان اشرافیت فئودالی قرون گذشته و پیش از آغاز دوران سرمایه‌داری نیز با «جایگاهی الهی» بر جهان مسلط بودند و بعد از انقلاب صنعتی این‌بار با ایدئولوژی «بازار آزاد» در جایگاه انحصاری خود باقی ماندند. ولی در این بررسی جامع اقتصادی خود، ادوار مختلف نظیر جوامع کشاورزی قرن۱۸ و اوایل قرن۱۹، دوره انقلاب صنعتی تا جنگ جهانی اول، تمام سال‌های میان دوجنگ، نیمه دوم قرن بیستم و بخش اول قرن بیست‌ویکم را بررسی می‌کند. در این بستر خواننده می‌تواند با انبوه دلایلی که به افزایش نابرابری تا حد جد امروزی منجر شده از منظرهای مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پی ببرد. همچنین در بخش‌های مختلف، نابرابری تحت‌تاثیر یک‌سری عوامل وسیع‌تر عمل خواهد کرد که به چگونگی عملکرد سرمایه در اقتصاد بازار آزاد مربوط می‌شود.

هرکس که با ترجمه و ترجمه متون حجیمی مانند این آشنا باشد و به‌ویژه با روال کار کسانی که به این شغل مشغول هستند و از سر تفتن به آن نمی‌پرازند، آشنایی داشته باشد، می‌داند که حذف‌هایی گاهی به علت خطای مترجم یا تأییدبست پیش می‌آید و ذهن و چشم یک انسان از این خطاها مبری نیست. به‌هیچ‌وجه حذف‌ها یا اشتباهات عددی را که به واسطه تایپ یا احیاناً هنگام صفحه‌آرایی مثلاً در زیرنویس یک شکل به وجود آمده‌اند، انکار نمی‌کنم ولی در عین حال به هیچ‌وجه از خطای خود یا عزیزانی که در تهیه متن همکاری کردند، متعجب نمی‌شوم و مدیون همه ایشان هستم.

۴.تحریف‌ها وحذف‌ها

بره‌کس که با ترجمه و ترجمه متون حجیمی مانند این آشنا باشد و به‌ویژه با روال کار کسانی که به این شغل مشغول هستند و از سر تفتن به آن نمی‌پرازند، آشنایی داشته باشد، می‌داند که حذف‌هایی گاهی به علت خطای مترجم یا تأییدبست پیش می‌آید و ذهن و چشم یک انسان از این خطاها مبری نیست. به‌هیچ‌وجه حذف‌ها یا اشتباهات عددی را که به واسطه تایپ یا احیاناً هنگام صفحه‌آرایی مثلاً در زیرنویس یک شکل به وجود آمده‌اند، انکار نمی‌کنم ولی در عین حال به هیچ‌وجه از خطای خود یا عزیزانی که در تهیه متن همکاری کردند، متعجب نمی‌شوم و مدیون همه ایشان هستم.

درباره تحریف‌ها متأسفانه آقای زرافشان از درجه مفاهیم مارکسیستی به مطالب و واژه‌ها توجه کرده، از حرف‌های پیکتی، مصادره به مطلوب به عمل آورده و انتظار داشته‌اند که من نیز چنان کنم. چنانکه در ویژه‌نامه «شرق» (بهمن ۱۳۹۳) نیز نوشتنم، من نه مدافع حقوق کارگرم و نه طرفدار سینه‌چاک سرمایه‌داری؛ نه در جست‌وجوی خواندن و ترجمه متون سرمایه‌داری هستم و نه متون دسمرایه‌داری و مارکسیستی؛ صرفا هرچه را که آموزنده، منصفانه و نزدیک به واقع باشد، می‌پسندم و تحسین می‌کنم؛ و هرچه را که خلاف واقع، مغرضانه یا خیال‌انگیز باشد، وامی‌گذارم. نظریه‌ها و مکاتب انسانی باید خادم- و نه مخدم-ما باشند. پس به هیچ مکتب برساخته انسان و به هیچ «ایسم»ی تعلق‌خاطر محض ندارم که همه چیز را از دریچه آن تفسیر کنم و با واژگان خاص آن مکتب بسنجم. آقای زرافشان در بحث درباره «نیروی کار» و «کار» طبق معمول به تفسیر مارکسیستی از معنای واژه‌ها روی آورده، از استمار نیروی کار سخن می‌گوید که همگان هزاران‌بار شنیده‌اند و لازم به تذکر نیست، ولی در این کتاب به‌جز در مواردی که از human capital سخن گفته است، فرقی بین مفاهیم کار و نیروی کار قابل نشده و فرق مذکور، صرفا برداشت و خیال نویسنده نقد است. همچنین است در واژه «پهره مالکانه» که طبق معمول به واژه‌شناسی مارکسیستی روی آورده و خواست‌اند از شیوه تفسیر و مقایسه فئودالی استفاده کنند.

ادامه در صفحه ۱۱

تأمل

جهان مجازی داعش

امیرعباس زارعی

سه جوان ژاپنی به اتهام بریدن سر یک پسرچرچه به‌شیوه داعشی بازداشت شدند. مقامات امنیتی گفته‌اند علایم روی کردن مقتول ۱۳ساله نشان می‌دهد شیوه قتل احتمالا از اعدام‌های گروه تروریستی داعش الهام گرفته شده است. جسد «ریوتا یونمورا» جمعه گذشته زیر بوته‌هایی نزدیک رودخانه شهر «کاوازاکی»، واقع در جنوب غرب توکیو، پیدا شد. پسر نوجوان مورد ضرب‌وجرح قرار گرفته و سپس نیمی از گردنش بریده شده بود. کارآگاهان پلیس با بررسی تصاویر دوربین‌های نظارتی در جست‌وجوی افراد جوانی بودند که همراه ریوتا به‌سوی محل قتل رفته و سپس بدون او برگشته بودند. سه جوان بازداشت‌شده، ۱۷، ۱۸ساله هستند. ریوتا یونمورا از چندماه پیش با گروهی از جوانان دبیرستانی دیده شده بود که بارها او را کتک زده بودند. او در یک شبکه اجتماعی نوشته بود آنها در نهایت فر خواهند گشت.

جهان مجازی فرا (فوق) واقعیت‌ها

سال۱۹۹۱ وقتی ژان بودریار جنگ آمریکا با عراق در کویت، موسوم به جنگ خلیج‌فارس را پدیده‌ای فراواقعی، ساخته و پرداخته رسانه‌ها و به‌تعبیری مجازی خواند، باعث تعجب و حیرت خیلی‌ها شد. جهان پست‌مدرنی که بودریار ترسیم می‌کرد دنیای فراواقعیت‌هایی بود که واقعی‌تر از جهان واقعی‌اند و آنها هستند که جهان را تعین می‌بخشد. نظریه‌ای که خیلی افراطی به‌نظر می‌رسید و جنگی واقعی را به امری خیالی و مجازی تقلیل می‌داد. اما هرقد دیدگاه بودریار در آن روزها و در مورد آن جنگ باورنکردنی به‌نظر می‌رسید. امروز با ظهور پدیده‌ای به نام داعش موجه و باورکردنی به‌نظر می‌رسد. جنگ خلیج‌فارس در بازه زمانی کوتاهی رخ داد و به‌سرعت تمام شد. عراق از کویت بیرون رفت و آمریکا و هم‌پیمانانش سال‌ها در منطقه ماندند. جدیت، قاطعیت و اجماع جهانی که در این جنگ دیده می‌شد چنان واقعی و ملموس بود که احتمال هرگونه مجازی‌بودن را از آن واقعه سلب می‌کرد. اما پدیده امروزی موسوم به داعش با اینکه حضور قاطع بی‌تخفیفی دارد و داغ قتل و آوارگی و تجاوز را بر برگرد بیگناهان بسیاری کوبیده است و واقعیتی واقعی‌تر از هر واقعیت روزمره پیش‌پاافتاده دارد، روی دیگری هم دارد که یادآور مفهوم فرا(فوق)واقعیت بودریاری است که در فضایی مجازی و رسانه‌ای رخ می‌دهد. توانایی داعش در استفاده از فضای مجازی و اطلاع‌رسانی و تبلیغات گسترده و پارکیری دایم آنها از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌تواند گواهی بر این مطلب باشد.

داعش وبازی clash of clans(نبرد قبایل)

از سال۲۰۱۲ بازی کامپیوتری‌ای به نام clash of clans روانه بازار بازی‌های کامپیوتری شد که به‌سرعت در تمام دنیا گسترش یافت و طرفداران زیادی پیدا کرد به‌گونه‌ای که امروز حتی مراحل پیشرفته بازی هر بازیگر به قیمت‌های باورنکردنی خریدوفروش می‌شود. با جست‌وجوی ساده‌ای در فضای این بازی متوجه حضور بازیگران زیادی با عنوان داعش می‌شویم که به‌طرز معناداری نشانگر تشابه زیاد فعالیت‌های این گروه با این بازی مجازی است. قبيله‌ها در دنیای معاصر تقریبا نابود شده‌اند و در اجتماعات بزرگ شهری تحلیل رفته‌اند و پدیده‌هایی به نام قبيله بیشتر به مفهومی بدون مصداق در جهان خارج بدل شده است. مفهومی که باید در فضایی خیالی و غیرواقعی به‌دنبال آن بود نه در دنیای واقعی. فعالیت‌های داعش بیش از آنکه تداعی‌گر بنیادگرایی مذهبی باشد تداعی‌کننده وحشی‌گری‌های زندگی قبایله‌ای است. چنانکه اسلاوی ژیزک، فیلسوف معاصر، نیز در مقاله‌ای به‌خوبی به تفاوت مبنايي اعمال آنها با اعمال بنیادگرایان واقعی اشاره و اعمال آنها را بر پایه حسرت‌ها و حسادت‌های مادی داعش تحلیل کرده است. اعمالی که بیشتر شبیه جنگ‌های قبایله‌ای شامیانازه‌ها برای دستیابی به منابع جدید و تصرف قلمروها و امکانات جدید است تا جنگ‌های عقیدتی. اقدامات داعش کاملا شبیه بازیگران این بازی است که با تشکیل یک قبيله و با قتل و غارت قبایل دیگر به منابع مالی آنها دست می‌یابند و با این امکانات مالی اقدام به سربرازگری می‌کنند. آنها با تصرف پالایشگاه‌ها، جاهای نفت، موزه‌ها... به منابع مالی دست می‌یابند و با پول‌های به‌دست‌آمده به موجودیت خود ادامه می‌دهند و از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی از سراسر دنیا سرباز می‌گیرند. تخریب آثاری از موزه موصل و پخش تصاویر محدودی از آن در فضای مجازی برای انحراف افکار عمومی از غارت میراث فرهنگی جهانی بود که در این موزه نگهداری می‌شد والا هدف کسب درآمد از طریق غارت بود، همین و بس. فیلم‌ها بیروشی بیش برای این تجارت شرم‌آور نادر حضور نیروهایی که از اروپا و آمریکا هم می‌آیند شبیه شرکت در یک بازی هیجان‌انگیز مجازی است که فرصت تخلیه رانه‌های ممنوعه و آزادی از آخرین قیدوبندهایی را که در جوامع خود از آن محرومند برایشان فراهم می‌آورد.

زندگی مجازی ژاپنی

زمان زیادی از سربردن خبرنگاران ژاپنی توسط داعش نمی‌گذرد که حادثه مورد اشاره رخ می‌دهد. شاید ژاین مدرن مجازی‌ترین ملت دنیا باشد. ملتی که قادر است هرچیز واقعی را به مجازی و هرچیز مجازی را به واقعی تبدیل کند. البته این توانایی ریشه‌هایی در سنت آن کشور هم دارد که در جایی دیگر قابل بررسی است. علاقه ژاپنی‌ها به بازی‌های کامپیوتری، داستان‌های مصور (مانگا)، انیمه‌ها، فیلم‌ها و تخیلی و ترسناک تقریبا در جهان بی‌مانند است و آنها را در مجازی‌سازی دنیا از همه پیش انداخته است. دنیاهای مجازی‌ای که امکان تخلیه و ارضای انواع امیال ممنوع را برای مخاطبانشان فراهم می‌کنند؛ جهان کارتون‌ای که مرگ در آن راه ندارد و هر خشونتى در آن قابل تصور است. خشونتى غیرواقعی که شخصیت را دوباره در قالبی دیگر زندگی می‌بخشد. این مجازی‌سازی تا حدی پیش رفته است که به حادثه مذکور جوانان ۱۷ یا ۱۸ساله‌ای که انتظار می‌رود برخلاف کودکان، تفاوت دنیاه را تشخیص بدهند چنان مسحور فضای مجازی شده‌اند که گویا قوه تشخیصشان مختل شده و اقدامات داعش در قتل خبرنگاران ژاپنی را شبیه‌سازی کنند.

دنیای آینده به نظریه بودریار نزدیک‌تر خواهد شد و جهان مجازی آینده حقیقی‌تر این جهان فرصت فریب را برای بسیاری از جانیبکاران فراهم خواهد کرد و قبح خشونت را در نظر بسیاری به‌خصوص نسل جوان فرو خواهد ریخت. قدرت‌های بزرگ در جریان کویت با اجماعی جهانی و به شکلی قاطع وارد ماجرا شدند. ظاهرا آن موضوع در طراز منفعت و ضررشان وزن بسیار بیشتری از موضوع داعش داشت. در این ماجرا آنها بازی موش و گریه‌ای را بهره انداخته‌اند که بیشتر شبیه بازی کارتون تام و جری است تا اقدامی قاطع و جدی علیه این واقعی‌ترین وحشیان دنیای مدرن. اما شعله‌های آتش به خانه‌های آنها هم رسیده است. حادثه‌هایی همچون حادثه ژاپن و حادثه شاری ابدو در فرانسه هر آن در کمین آنها خواهد بود، مگر اینکه از دنیای مجازی فریب‌آلود خود قدمی بیرون بگذارند و با جدیت و مسوولیت با این حقیقت زشت و زنده روبه‌رو شوند.



توماس پیکتی و هزارتوی سرمایه‌داری

مجموعه مقالات

ویراستار: مجید امینی

ناشر: کلاغ

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

نوبت چاپ: ۱۳۹۳